

## تحلیل محتوای کیفی برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی

سیده محمدجواد وزیری فرد\*  
مصطفی همدانی\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر، به بررسی میزان انطباق برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف با مبانی اخلاق اسلامی می‌پردازد. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و بر اساس تحلیل محتوای کیفی و مطالعه کتابخانه‌ای و در چارچوب نظری مبانی اصول استنباط و اخلاق اسلامی، انجام گرفته است.

نتایج تحقیق، گرچه در مجموع از انطباق خوب برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف در نمونه منتخب، با مبانی اخلاق اسلامی حاکی است؛ اما برنامه «پرسش و پاسخ تربیتی» که با رویکرد مشاوره‌ای به مباحث اخلاقی پرداخته است، دارای کمترین میزان انطباق با مبانی اخلاق اسلامی در بین مجموع برنامه‌های اخلاقی در این شبکه است. در برنامه «مزمه‌های معرفت» که به سخنان استاد مصباح اختصاص دارد و برنامه «گنج سعادت» که بر اساس کتاب معراج السعادة تولید شده است، هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی و آموزه‌های اخلاق اسلامی یافت نشده است. همچنین دو مقوله «عدم انطباق حکمی» و «عدم روش‌مندی در اثبات دلالت نصوص»، دارای بیشترین موارد ناسازگاری در بین مقولات است.

### کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، رادیو معارف، برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف، تحلیل محتوای کیفی.

### مقدمه و طرح مساله

بدون شک ترویج مکارم اخلاقی و مبارزه با مفسد اخلاقی از سرفصل‌های اصلی رسالت انبیا علیهم‌السلام به‌ویژه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که هدف رسالت جهانی خود را این‌گونه اعلام فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۴۱۲: ۸؛ بیهقی، ۱۴۳۲: ۱۵، ۲۵۲) یا: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ» (ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۲، ۵۱۲) که در هر دو نقل، تعبیر «انما» دلالت بر انحصار هدف رسالت در تربیت اخلاقی و در نتیجه جایگاه والای اخلاق در معارف نبوی دارند.

ازسویی؛ یکی از کارکردهای رسانه، انتقال فرهنگ است؛ [یعنی] آموزش و ترویج فرهنگ و ارزش‌ها (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۵۲). متناسب با این کارکرد در جامعه اسلامی نیز، رسانه می‌بایست در مسیر انتقال فرهنگ غنی اسلامی پیام‌رسانی کند؛ به‌ویژه رسانه‌ای مانند رادیو معارف که رسالت و سیاست‌گذاری آن بر اساس همین هدف بنا شده است. بنابراین، ترویج فرهنگ و اخلاق اسلامی در این شبکه دارای اولویت راهبردی است.

از طرف دیگر، مقام معظم رهبری در دیدار مدیر و کارکنان رادیو معارف تأکید کردند که تولیدات این رسانه «باید ممتاز و درجه یک باشد»<sup>۱</sup> و روشن است که برای رسیدن به این هدف مطلوب، جز با آسیب‌شناختی، تحلیل و تطبیق مداوم تولیدات این رسانه با مبانی دینی میسر نخواهد بود. این تحقیق بر همین اساس، به تحلیل کیفی محتوای برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف با هدف بررسی میزان انطباق محتوای آن‌ها با مبانی اخلاق اسلامی می‌پردازد.

برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف، هفت برنامه هستند که در جدول شماره ۱ معرفی شده‌اند.

۱. سایت رادیو معارف (<http://www.radiomaaref.ir>)

## جدول شماره ۱. مشخصات برنامه‌های مورد تحلیل (جامعه آماری)

ردیف	نام برنامه	محتوا (رویکرد)	زمان پخش	تعداد کل برنامه‌ها
۱	مکارم خوبان	دروس اخلاق (عمومی) عالمان اخلاق	یک برنامه در روز	۳۶۵
۲	چراغ هدایت	دروس اخلاقی استادان اخلاق با محوریت شرح حدیث جنود عقل و جهل	یک برنامه در هفته	۴۸
۳	پرسش و پاسخ تربیتی	میزگردهای کارشناسی در حوزه تربیت اخلاقی	دو برنامه در هفته	۱۰۳
۴	صفای دل	دروس اخلاقی استاد صفائی حائری با محوریت راه‌های رسیدن به ولایت الهی	یک برنامه در هفته	۵۱
۵	زمزمه‌های معرفت	دروس اخلاقی استاد مصباح یزدی با محوریت فلسفه اخلاق	یک برنامه در هفته	۴۸
۶	شمیم عترت	تفسیر آموزه‌های اهل بیت: در حوزه اخلاق اجتماعی	سه برنامه در هفته	۳۹
۷	گنج سعادت	شرح کتاب معراج السعادة به عنوان متن اخلاق کلاسیک با رویکرد عقلی - نقلی	یک برنامه در هفته	۹
مجموع				۶۶۳

این بررسی، تنها به بیان نقاط ناسازگار از آموزه‌های برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف با مبانی اخلاق اسلامی می‌پردازد. بنابراین، از شمردن نقاط سازگار با مبانی اخلاق اسلامی صرف نظر می‌کند؛ زیرا هدف از این تحقیق، تحلیل برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف برای

انطباق بیشتر آن‌ها با اخلاق اسلامی است و آنچه به این هدف کمک بیشتری می‌کند، بیان نقاط ضعف است. بنابراین، بیان این نقاط، نه از سر اشکال‌جویی و ندیدن نقاط قوت است و نه به منزله نادیده گرفتن مشقت و زحمات در تولید این همه آموزه‌های حامل نور و فضیلت و منطبق با فطرت است. همچنین در بررسی‌ها، از ذکر نام گویندگان و سخنرانان رادیو صرف نظر کرد و تنها تاریخ برنامه را ذکر خواهیم کرد.

### چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق عبارت از دو دسته نظریه اسلامی است که می‌توان آن را از نظریات معطوف به محتوا دانست:

دسته اول: نظریه عام اصول استنباط که بر اساس آن، هر گونه استنباط اسلامی در حوزه‌های گوناگون از جمله اخلاق اسلامی باید از این قواعد پیروی کند. این کلان‌نظریه، دارای خرده نظریات فراوان است که دو نظریه از آنها در این تحقیق استفاده می‌شود: اول، نظریه استظهار؛ (معناخوانی مبتنی بر دلالت متن از نصوص دینی)، که بر اساس آن، باید معانی الفاظ را از عرف و نظر لغویون به دست آورد (طوسی، العدة ۱۴۱۷: ۲، ۷۲۸؛ قمی، ۱۳۷۸: ۱۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲، ۱۶۲ - ۱۶۴؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۱، ۴۵).

دوم، نظریه افاده عموم توسط نکره در سیاق نفی (شهید ثانی، تمهید القواعد: ۱۴۱۶، ۱۶۰؛ قمی، ۱۳۷۸: ۲۲۳)؛ به این معنی که اگر اسم نکره‌ای در قالب یک گزاره نفی قرار گرفت، اصل این است که تمام مصادیق آن اسم منتهی هستند.

دسته دوم: «مبانی اخلاق اسلامی»؛ مقصود از «مبانی اخلاق اسلامی»، حضور عنوان کلی آن فارغ از نظریه یا نظریاتی خاص نیست؛ بلکه این عنوان، شامل تک تک نظریات اخلاق اسلامی در حوزه مسائل اخلاق اسلامی متعلق به مضامین اخلاقی این تحقیق است که بر حسب هر «مورد» در نمونه به کار برده خواهند شد. این چارچوب اخلاق‌شناختی، به «روشی» خاص - که همان طرح نظریات در ضمن تحلیل داده‌ها است - در متن تحقیق ارائه خواهد شد. انگاره‌های الزام استفاده از «این چارچوب» و این «روش ارائه چارچوب» در اصول زیر ارائه شده‌اند:

منطق نظریه در تحقیقات کمی: تحلیل‌های ما همواره مسبوق به نظریه هستند و از

نظریات باردارند و در پرتو نظریات است که ما چنین می‌بینیم (ساعی، ۱۳۸۷: ۶۰). اساساً تحقیق بدون نظریه نمی‌تواند مطالعه علمی باشد بلکه تنها جمع‌آوری داده‌های خام است (همان: ۶۶) همچنین نظریه در علوم انسانی در تعریف، منظم کردن، توضیح و پیش‌گویی روابط بین پدیده‌ها نقش دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۵) و شالوده‌ای برای پاسخ‌دادن به سوال تحقیق است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۹: ۹۴).

پژوهشگران حوزه علوم ارتباطات و تحلیل رسانه‌ها معتقدند از آن‌جا که «اهداف گوناگونی» برای مطالعه محتوا قابل تصور است، به ناگزیر نظریات مرتبط با تحلیل محتوای رسانه‌ها نیز باید منطبق با حوزه معنایی محتوا باشند و بر اساس آن حوزه، دارای «تنوع» و «تکثر» هستند. در نتیجه، ممکن نیست که بتوان نظریه واحدی در باب محتوای رسانه داشت (مک‌کویل، ۱۳۸۵: ۲۷۳ - ۲۷۴) به این معنی که با توجه به حوزه یا موضوعی که در محتوا ارائه شده است، باید از نظریه متناسب استفاده کرد؛ یعنی مفاهیم ویژگی و شاخص‌ها را از نظریه‌های همان حوزه استخراج کرد (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۹). بنابراین، منتقدان ادبی و اخلاقی و ... هر یک بر اساس رهیافت خاص خود باید «تحلیل» و «خلاقیت» را در هم ادغام کنند و به تحلیل رسانه‌ها پردازند (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

موارد نمونه در تحقیق حاضر دارای سطحی بسیار متنوع از پراکنش هستند که یک نظریه خاص در اخلاق اسلامی نمی‌تواند کمان‌کباده همه داده‌ها را یکجا بر دوش بکشد و همان‌طور که در بیان نمونه گفته خواهد شد، از بین ۶۶۳ برنامه اخلاقی در گروه‌های اخلاقی هفت‌گانه در رادیو معارف، تعداد ۶۸ برنامه دارای ۲۳۴ مضمون اخلاقی (مبحث اخلاقی که بسا هر یک نظریه یا نظریاتی در اخلاق اسلامی را در بر دارند) انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به علاوه، برخی مباحث مطرح شده در برنامه‌های اخلاقی این شبکه دارای جنبه نوآورانه هستند و گویندگان آن برنامه، خود به شکل مستقیم از آیات و روایات به بحث در آن موضوع پرداخته‌اند و در متون کلاسیک اخلاق اسلامی مورد بحث قرار نگرفته و نیازمند بررسی‌های موردی بر اساس قرآن و روایات است.

بر اساس این سه مقدمه، لزومی ندارد که نظریات تحقیق (در صورت تعدد بالا) به‌طور تفصیلی در بخش خاص چارچوب نظری ذکر شوند؛ بلکه مهم، حضور «منطق چارچوب

نظری» مذکور در مقدمه اول در «فرآیند تحقیق» است؛ البته این نظریات باید در متن تحقیق مورد تصریح قرار گیرند. در تحقیق حاضر نیز گونه‌های خاص نظری مورد نیاز بر حسب هر «مورد» و «نمونه» در ضمن تحلیل یافته‌ها صورت‌بندی خواهند شد.

### مبانی روش‌شناختی تحقیق

این مبانی در چند محور تبیین می‌شوند:

#### نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. «که علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونگی بودن، چرایی وضعیت مساله و ابعاد آن می‌پردازد. جزئیات مساله تحقیق را با کلیاتی که در مباحث نظری تحقیق به‌عنوان چارچوب استدلال خود تدوین می‌کند، ربط می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۹، ۶۰ و ۶۱) و به دو روش انجام گرفته است: روش کتابخانه‌ای که با مطالعه کتب و اسناد و به کمک استدلال عقلی به بررسی متون برای دست‌یافتن به پاسخ سوال پرداخته (همان: ۱۶۴ - ۱۷۲) و در تولید مبانی اخلاق اسلامی به کار می‌رود.

تحلیل محتوای کیفی که تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها یا الگوهاست (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲، ۱۰۰؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰). الگوهای مختلفی برای این روش وجود دارد که در این تحقیق، از الگوی «قیاسی متکی بر نظریه» استفاده می‌شود. در این روش، ابتدا بر اساس نظریات موجود یا پژوهش‌های پیشین، متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزها شناسایی می‌شوند. در مرحله بعد تعاریف عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود (همان: ۲۵).

#### واحد تحلیل

کلمه، جمله، بند، بخش و مواضع ایدئولوژیک و ... می‌توانند واحد تحلیل باشند (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۰۹) در تحقیق حاضر از «مضمون» به معنای درون‌مایه گفتارهای مشتمل بر «مباحث اخلاقی» به‌عنوان واحد تحلیل استفاده شده است. هر مضمون، شامل

یکی از مباحث علم اخلاق اسلامی است که دارای «حکم»، «موضوع» و «مستندات» خاص خود است.

### متغیرها، مقولات و تعریف عملیاتی

انطباق و عدم انطباق با مبانی اخلاق اسلامی، متغیرهای این تحقیق هستند. متغیر «عدم انطباق»، لازمه فقدان انطباق است. بنابراین، بحث منحازی ندارد. انطباق باید در مورد هر موضوع و مضمون اخلاقی مطرح شده در نمونه، مورد بررسی خاص قرار گیرد. چهار مقوله و چند زیرمقوله برای انطباق وجود دارد که در جدول شماره ۲ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۲. مقولات (کدها)

ردیف	نام مقوله	زیر مقولات
۱	انطباق حکمی	-
۲	انطباق موضوعی	-
۳	انطباق اسنادی	ارجاع منبع شناختی درست در نقل نصوص
		نقل لفظی درست نصوص
		ارجاع منبع شناختی درست در نقل کلمات علمای اخلاق
		نقل صحیح کلمات علمای اخلاق
۴	انطباق روش مندی استنباط	اثبات صدور نصوص
		اثبات دلالت نصوص
		اثبات جهت صدور نصوص

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، این تحقیق به ارائه موارد عدم انطباق می‌پردازد. بنابراین، یافته‌ها با کدهای «عدم انطباق» کدگذاری خواهند شد.

## تعریف عملیاتی

مقولات و زیرمقولات بر اساس قواعد (پروتکل) زیر تشخیص داده می‌شوند:  
 انطباق حکمی؛ عبارت است از بیان صحیح حکم اخلاقی منطبق با نظرات علمای اخلاق.  
 انطباق موضوعی؛ عبارت است از بیان درست موضوع اخلاقی بر اساس منابع اخلاق اسلامی.

انطباق اسنادی؛ عبارت است از نقل صحیح و منطبق با واقع نصوص و کلمات علمای اخلاق از نظر متن و ارجاع.

انطباق روش‌مندی به این معنی است که هر گزاره ماثور تنها با اتمام این سه جهت قابل انجام است: اثبات صدور، اثبات جهت صدور، اثبات دلالت (نائینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۰) به این معنی که دارای سند صحیح باشد و دلالت آن روش‌مند (طبق قواعد علم اصول) استنباط شده باشد و برای تقیه و امثال آن نیز نباشد.

اگر هر کدام از این مقولات و زیرمقولات در واحدی از واحدهای مورد تحلیل وجود نداشته باشند، آن واحد، کد عدم انطباق به سبب فقدان آن مقوله دریافت خواهد کرد.

## متن مورد بررسی

محتوای کلیه برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف در دوره یک‌ساله ۱۳۸۸ هجری شمسی (از آغاز فروردین سال ۱۳۸۸ تا پایان اسفند سال ۱۳۸۸)، متن مورد بررسی در این تحقیق است.

## روش و منطق نمونه‌گیری

در تحقیق‌های کیفی، نمونه‌گیری به روش هدفمند است (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۰۹). در تحقیق حاضر، نمونه‌گیری برای انجام تحقیق به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی که از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی است، انجام خواهد گرفت.

امتیاز نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی در مورد تحقیق حاضر آن است که: برنامه‌های اخلاقی رادیو همگون نیستند؛ برخی برنامه‌ها مانند «مکارم‌خوبان» هر روز پخش می‌شوند و برخی چون «صفای‌دل» هفته‌ای یک‌بار پخش می‌شوند. بنابراین، نمونه‌گیری ساده و سیستماتیک هیچ‌کدام نمی‌توانند نمونه‌ای معرف به دست دهند.



برای انجام تحلیل محتوای کیفی، حدود ده درصد از کل جامعه به شکل طبقه‌ای برگزیده شده‌اند. نمونه‌ها در جدول شماره ۳ معرفی شده‌اند.

جدول شماره ۳. مشخصات نمونه

ردیف	نام برنامه	تعداد برنامه‌ها	تعداد مضامین اخلاقی
۱	مکارم خوبان	۳۷	۸۴
۲	چراغ هدایت	۵	۶۵
۳	پرسش و پاسخ تربیتی	۱۰	۱۰
۴	صفای دل	۵	۲۴
۵	زمزمه‌های معرفت	۵	۲۶
۶	شمیم عترت <sup>۱</sup>	۴	۲۰
۷	گنج سعادت <sup>۲</sup>	۲	۵
	مجموع	۶۸	۲۳۴

### روش تجزیه و تحلیل

در تحقیق حاضر از روش «ساخت‌بندی» برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود که عبارت از پیگیری ساختارها است. ساختارها در سطح صوری یا بر اساس محتوا یا خصیصه خاصی که در آن است یا درجه بندی درون آن، ایجاد می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

باید توجه داشت که اگرچه در ارائه نتایج این تحقیق از جدول، نمودار و تحلیل درصدی استفاده خواهیم کرد، اما این به معنی تحلیل آماری و کمی نیست؛ زیرا در تجزیه و تحلیل داده‌ها، تنها عقل و منطق حضور دارند و جدول و تحلیل درصدی فقط برای ارائه خلاصه‌ای از یافته‌ها است.

۱. این برنامه، از نیمه سال روی آنتن رفته و دارای وقفه‌های متعدد بوده است.  
 ۲. این برنامه، از اوایل ثلث سوم سال روی آنتن رفته و دارای چند مورد وقفه بوده است.

## اعتبار و پایایی

منبع تامین اعتبار این تحقیق، اعتبار صوری است که عبارت از آن است که داوران صالح و ماهر صلاحیت تحقیق را تأیید و اعلام کرده‌اند که یافته‌های تحقیق، جزئی از دانش علمی است (رایف، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

با توجه به این که تفسیر و تبیین متن به وسیله محقق صورت می‌گیرد، طبیعی است که چون هر روش کیفی دیگر، محقق دیگری در رویارویی با متن، نتیجه‌گیری متفاوت داشته باشد. اما این تحقیق در راستای تامین پایایی تا حد ممکن، از نمونه‌گیری هدفمند تصادفی استفاده کرده است که «از نظر بسیاری از روش‌شناسان باورپذیری تحقیق را افزایش می‌دهد» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲، ۴۶). همچنین از این منظر که در برخی روش‌های نوپدید در تحقیق کیفی، «قابل اعتماد بودن» و «باورپذیری» به معنی ارائه روش‌شناختی تحقیق، تفسیر و استنباط‌های نظری را تنها راه موجود برای پاسخ به پرسش از کیفیت تحقیق می‌دانند و توجهی به روش‌های تحقیق کمی در ارزیابی تحقیقات کیفی ندارند (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۵۲)، در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا با ارجاع‌های دقیق به برنامه‌های مورد تحلیل و نیز متون اخلاق اسلامی - تا حد ممکن - عینی‌گرایی در تحلیل محتوای کیفی (به‌عنوان هدف پایایی) نیز مراعات گردد.

## یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحلیل، بر اساس برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف به شرح زیر تفکیک شده‌اند:

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه مکارم خوبان

در این برنامه، نقاط ناسازگار در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی عبارتند از:

۱. سخن کارشناس: توبه نصوح یعنی نصیحت‌گر؛ یعنی توبه‌ای که همیشه مدنظر باشد

(۸۸/۲۱).

کدبندی: توبه نصوح، از آیه کریمه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»

(تحریم: ۸) گرفته شده است. این معنی از «توبه نصوح» که در این برنامه ذکر شده، دارای

اشکال است؛ زیرا یک قول غیر مشهور از معنی «توبه نصوح» منسوب به «فراء» است که در کتب تفسیری اهل سنت وارد شده است. این قول، اسناد نصوح به توبه را مجازی دانسته و نصوح را صفت انسان تائب می‌داند نه توبه (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۵۷۳) اما نظر علمای اخلاق (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۴؛ نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۷) و تفسیر محققان علوم اسلامی از این عنوان قرآنی این است که توبه نصوح یعنی توبه‌ای خالص و پاک از آلايش که این آلايش همان تصمیم رجوع به گناه است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۱۵۰؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۳۵؛ مطهری: ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۳۵۶) پس نصوح صفت توبه است و این معنی، مورد تایید روایات نیز قرار دارد. زیرا امام صادق علیه السلام در شرح آیه فوق فرمودند:

«عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا - قَالَ: يَتُوبُ الْعَبْدُ مِنَ الذَّنْبِ ثُمَّ لَا يَعُودُ فِيهِ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۳۲)؛ توبه نصوح، توبه‌ای است که بنده پس از آن به گناه بازنگردد.

بنابراین، این مضمون، در مقولات فقدان انطباق اسنادی (نقل ناصحیح کلمات علمای اخلاق) و نیز فقدان انطباق روش مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده گذاری می‌شود. ۲. سخن کارشناس: بحث اخلاقی در مورد «کبر» است و کارشناس محترم برنامه در نکوهش این رذیله، روایت «المعجب برأیه» را مطرح نموده و آن را به «کبر» ربط می‌دهند (۸۸/۷/۱۴).

کدبندی: روایت مذکور چنین است: «عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ... مَنْ لَا يَعْرِفُ لِأَحَدٍ الْفَضْلَ فَهُوَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۳۲)؛ کسی که معتقد باشد نظری برتر از دیدگاه او وجود ندارد، اعجاب به نظر خود دارد.

لفظ این روایت، به وضوح دلالت بر «عُجْب» دارد؛ زیرا تعبیر لفظی آن صراحت در عجب دارد و ربطی به «کِبَر» ندارد؛ زیرا از مصادیق عُجْب، عُجْب به نظر و رای و علم خود است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۵۶) و علامه مجلسی علیه السلام نیز در شرح این روایت، آن را به معنای «عُجْب» تفسیر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶: ۲۰۸).

گفتنی است علمای اخلاق، فرقی ظریف بین کبر و عُجْب قائل هستند؛ عُجْب عبارت است از بزرگ دانستن خود به خاطر کمالی که فرد در خود سراغ دارد. اما کِبَر یعنی انسان،

مزیتی را در خود بر دیگری ببیند؛ پس متکبر، عُجب هم دارد اما مُعجب، لازم نیست کسی باشد که خود را بر او برتر بداند و همین که خود را ببیند و کمال خود را، مُعجب است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۴۹).

بنابراین، این مضمون، در مقوله انطباق روش مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده گذاری می شود.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه چراغ هدایت

در این برنامه، نقاط ناسازگار در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی، عبارتند از:

۱. سخن کارشناس: دوام و کثرت «ذکر» از راه‌های سلوک است و کثرت ذکر به همین معنی کثرت او را شبانه‌روز که در دعاها و اعمال روز و شب آمده است (۸۸/۵/۳۱).  
کدبندی: کثرت ذکر، از دستورات قرآنی است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب: ۴۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را فراوان یاد کنید.

در معنای ذکر کثیر یا همان یاد فراوان خدای متعال، اختلاف نظر وجود دارد: برخی آن را ذکر لفظی معنی کرده‌اند و آن را بر برخی اذکار لفظی هم تطبیق داده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۶۸) در روایات، برخی اذکار لفظی (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۰، حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۴۴۳)، یاد خدا هنگام گناهان (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸۰) و نیز ذکر قلبی (راوندی، ۱۴۰۷: ۲۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۲۸۵) به عنوان مصادیق این آیه بیان شده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله معتقد است حقیقت ذکر، توجه نمودن به مذکور (خدای متعال) است و تلفظ به اذکار، برخی مصادیق ذکر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۲۸) بلکه حقیقت ذکر، فراتر از ذکر زبانی است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۲۷). بنابراین، نه ذکر به معنای انحصاری، ذکر لفظی است و نه روایت مذکور، ظهور در ذکر لفظی دارد.

بنابراین، این مضمون، در مقولات فقدان انطباق موضوعی (تبیین ناصحیح موضوع) و نیز فقدان انطباق روش مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده گذاری می شود.

۲. سخن کارشناس: توکل چهار رکن دارد که این ارکان، لزوم توکل را ایجاب می کنند: خدا علم دارد، قدرت دارد، رحمت دارد و بخل هم ندارد. ما این چهار رکن را می دانیم اما توکل نمی کنیم چون ایمان به دل وارد نشده است (۸۸/۳/۲۳).

کدبندی: تفاوت ایمان وارد شده در قلب و ایمان نفوذ نکرده در قلب و آثار آنها از مسلمات قرآنی و روایی است. ریشه‌یابی عدم توکل در فرایند فوق هم موضوعی به‌جا است اما در اینجا یک معنای ضمنی از این سخنان به ذهن مخاطب خطور می‌کند که: مگر علم به خدا، این همه فضیلت ندارد و این همه آیات و روایات در فضل علم وارد نشده است؟ و مگر قرآن نفرموده: تنها اهل علم به خدا از او خشیت دارند (سوره فاطر: ۲۸) پس چگونه است که علم پایین‌تر از ایمان است و آثار آن را ندارد؟! بنابراین، بهتر است گوینده طبق روش علمای اخلاق، به تفاوت این دو علم یعنی علم قلبی حضوری و علم ذهنی حصولی پردازد که بر شنونده روشن شود علم قلبی، همان ایمان است و این دو از یک سنخ هستند و اساساً، ایمان جز علم قلبی نیست و علم ذهنی، مقدمه و موثر در تحصیل علم قلبی است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۴ - ۹۸).

بنابراین، این مضمون، در مقوله فقدان انطباق موضوعی (تبیین ناصحیح حکم) رده‌گذاری می‌شود.

۳. سخن کارشناس: روایت است که هر موجود در آسمان‌های هفت‌گانه از فرشته‌ها و مخلوقات مادی و حتی موجودات هوا و... برای طالب علم استغفار می‌کنند و هوا نه یعنی همین جو اطراف ما، بلکه کل کیهان (۸۸/۱۱/۲۴).

کدبندی: این روایت چنین است: «إِنَّ مُعَلَّمَ الْخَيْرِ يَسْتَعْفِرُ لَهُ ذَوَابُّ الْأَرْضِ وَحَيَّاتُ الْبَحْرِ وَكُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ وَجَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۷: ۲-۱۷) و مقصود از هوا در «كُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ» هرگز خارج از جو نیست؛ زیرا طبقه‌بندی لایه‌های زمین و اطراف آن به لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر و طبقه‌بندی اتمسفر به لایه‌های مختلف و نامیدن فرااتمسفر به فضای کیهانی، از مفاهیم علمی جدید است و تفسیر متون قرآنی و روایی باید بر اساس اصول صحیح استنباط از جمله «نظریه استظهار» که در چارچوب نظری ارائه شد، انجام گیرد و در منابع لغوی، هوا یعنی هر جا که خالی باشد و همین جو اطراف زمین را هوا می‌نامند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ۳۷۰ - ۶۷۸) و دست کم، قدر متیقن آن همین است و اما خارج از این جو، ادامه روایت که فرموده است «جَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» آن را شامل است و نیاز به این تحمیل‌های معنایی خارج از دلالت بر روایت نیست.

بنابراین، این مضمون، در مقوله فقدان انطباق روش مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده گذاری می شود.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه پرسش و پاسخ تربیتی

در این برنامه، نقاط ناسازگار در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی، عبارتند از: در سوال شنوندگان، سخن از روابط دختر و پسر قبل از ازدواج است و کارشناس می گوید: در جامعه و فرهنگ ما این کار، نادرست است و فعلاً کار ندارم این مسئله درست است یا نادرست اما به هر حال این رفتار، فلان اثر سوء را در خانواده دارد (۸۸/۳/۳). کدبندی: گوینده محترم، از طرفی مبنایی غیراسلامی برای ارزش های اخلاقی را به طور ضمنی به مخاطب القاء می کند؛ زیرا وقتی می گویند: «در جامعه و فرهنگ ما این کار، نادرست است»، پیام ضمنی این دال، آن است که ارزش بودن این مساله به خاطر یک قرارداد اجتماعی است و این همان نظریه فلسفی خاص در غرب است که اساس نحله های «اخلاق غیرمبتنی بر دین» قرار گرفته است؛ همان طور که جامعه گرایانی چون دورکیم معتقدند کار خوب، کاری است که جامعه بپسندد (مصباح، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

از طرف دیگر، ضمنی و نه صریح و کاملاً بی طرف و نه از موضع فرد عقیده مند، از نکوهش این روابط سخن می گویند؛ زیرا در توصیه های مشاوره ای خود می گویند: «فعلاً کار ندارم این مسئله درست است یا نادرست» و در این اظهار نظر، خفیف تر از بیان قبل، این پیام ضمنی را برای مخاطب دارد که ممکن است از نظر ایشان، این کار نادرست نباشد! گرچه ابداً مقصود گوینده چنین لوازمی نیست و این قلم هم به هیچ وجه این را به اعتقاد وی منسوب نمی کند اما این لوازم، اقتضائات پیام است؛ همان طور که امام علی علیه السلام فرمود: «وَاعْلَمُ أَنَّ الْكَلَامَ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴، ۳۸۸)؛ سخن، اسیر تو است و هرگاه آن را بر زبان آوردی، تو اسیر آن هستی.

ریشه این اشکالات را می توان در ذات و هویت این برنامه دانست که تولید و اجرای «جلسه مشاوره» با رادیو معارف است. توضیح این که: کارشناسان محترم این برنامه در عین این که افرادی متعهد و در رشته خود متخصص هستند و پایبندی ایشان به قواعد اخلاقی و فقهی در کلامشان هم مشهود است اما به هر حال در قالب و محتوای ارتباطی خود، از

ارزش‌های دانش «مشاوره» استفاده می‌کنند. این استفاده و تائیر، ناشی از تاثیر ناخودآگاه رسانه ارتباطی ایشان یعنی «جلسه مشاوره» است که بر اساس فنون خاص انجام می‌پذیرد؛ زیرا از ساختارهای ارتباطی ای که یک مشاور به کار می‌برد این است که در بسیاری از موارد نباید به باورها و هنجارهای مخاطب واکنش صریح و مستقیم نشان داده و این از اصول مسلم مصاحبه، فنون و روش‌های ارتباطی مشاور - مراجع است (رهنمایی، ۱۳۸۴: ۱۱۸) و بر اساس نظریات مشاوره، مشاور نباید در نفی مواضع مراجع سرعت به خرج دهد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۷۳) طبیعتاً ایشان هم به‌طور کلی از صبغه قالب ارتباطی خود استفاده می‌کنند. اگر فرض بگیریم که این روش مشاوره، دارای ماهیتی درمانی است و برای اصلاح یک فرد و پالودن او از رذائل، لازم است و بسا مورد تایید علمای اخلاق و تربیت اسلامی هم باشد، در این صورت این اشکال باقی می‌ماند که طرح این روش در برنامه رادیویی که عمومی است، این معنای ضمنی را به مخاطب القاء می‌کند که مشاور، این باور را در حد یک هنجار اجتماعی فرو می‌کاهد. بنابراین، با بُعد دیگر از اشکال این مساله که نادرستی پخش این سوال توسط برنامه‌سازان رادیو معارف باشد، مواجه می‌شویم. توضیح این مساله در شماره بعد ذکر خواهد شد.

بنابراین، مضمون ارجاع‌دادن ارزش روابط جنسی مشروع به بافت فرهنگی جامعه و عدم قضاوت ارزشی در مورد آن، که مدلول ضمنی سخن کارشناس محترم برنامه است، در مقوله فقدان انطباق حکمی (تبیین ناصحیح حکم) رده‌گذاری می‌شود. همان‌طور که پخش این سوال در رادیو معارف توسط تولیدکنندگان این برنامه نیز مضمونی است که در مقوله فقدان انطباق حکمی (تبیین ناصحیح حکم) رده‌گذاری می‌شود.

خانمی در تماس تلفنی مدعی است که شوهرم با زنی نامحرم ارتباط تلفنی دارد چه کنم؟ کارشناس محترم برنامه می‌گوید: آقای محترم، بالاخره قبل از ازدواج، شما هر رابطه‌ای با آن خانم داشته‌اید (الان کاری با درست و غلط آن ندارم) بالاخره جوان و نوجوان بوده‌اید و ... اما الان! حضور زن دیگر [ی] در زندگی شما درست نیست (۸۸/۹/۱۵). کدبندی: علاوه بر اشکال در رسانش پیام ضمنی منفی از عبارت «الان کاری با درست و غلط آن ندارم» که در شماره قبل گفته شد، نادرستی این مضمون در این است که طرح

این سوال در یک رسانه عمومی بر خلاف بهداشت روان عمومی و عفت شنیداری مخاطب است؛ همان‌طور که علمای اخلاق از گسترش دادن به گفتارهای مربوط به مفاسد جنسی که خود محرک شهوت است منع کرده‌اند (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۵ و ۴۱۶) و نادرستی این کار برای رسانه‌ای مقدس - گرچه همه زیرمجموعه‌های رسانه ملی بهره‌مند از نوعی قداست هستند - همچون رادیو معارف دوچندان است و هیچ توجیهی ندارد.

لازم به ذکر است که مقصود ما عدم طرح مشکلات زناشویی و جنسی و تابونمودن این مشکلات نیست که برخی پنداشته‌اند ارزش‌های دینی باعث سرپوش گذاشتن بر این مشکلات و عدم طرح و در نتیجه حل نشدن آنها است؛ زیرا این پندار، سخنی مغالطه‌آمیز است و مقصود ما عدم طرح نامناسب و عمومی آن‌ها است نه عدم طرح آنها به طور مستقل. بلکه به نظر می‌رسد کارشناسان مشاوره حتی در غرب که خاستگاه این دانش - به معنای متعارف و الزامات و لوازم آن - است نیز رسانه‌ای شدن این مسائل را بی‌فایده بدانند؛ زیرا آنان معتقدند مشاوره<sup>۱</sup> غیر از راهنمایی<sup>۲</sup> است. آنان راهنمایی را به معنای یاری رساندن به فرد برای ارتقای شناخت او از خود و محیط و از سنخ پیش‌گیری می‌دانند (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۵؛ نیکزاد، ۱۳۷۸: ۱۸۹) اما مشاوره را یک فرآیند پویا می‌دانند (رهنمایی، ۱۳۸۴، ۳۳) که از سنخ درمان است (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵: ۳۸) و مشاور در آن برای ارتقای سازش مراجع با خود و دیگران و بالابردن بلوغ عاطفی و قبول مسئولیت و یا حل مشکلات روانی سطحی در وی تلاش می‌کند (همان: ۳۰ - ۳۱) و مصاحبه مشاوره‌ای که از مراحل حساس فرایند مشاوره است، میان دو نفر یعنی مشاور و مراجع با تاثیر و تاثر متقابل همدلانه انجام می‌شود (قاضی، ۱۳۸۳: ۸۰) نه در رسانه ملی! و این ماهیت، مساله‌ای نیست که از منظر کارشناسان مشاوره و مشاوران خبره رادیو معارف پنهان باشد؛ همان‌طور که خود ایشان در حل یکی از مشکلات حاد شنونده‌ای می‌گوید: این پاسخ‌های تلفنی ما در حد راهنمایی است نه مشاوره و این مورد به قدری حاد است که پاسخ ما راهنمایی هم نیست! (۸۸/۹/۱۵). اما مساله مورد دغدغه تحقیق حاضر آن است که «فرایند» مشاوره با این خصوصیات که

1. counseling

2. Guidance



ورودی و خروجی آن «توصیه‌های خاص» برای «افراد خاص» است که هرگز قابل تعمیم نیست، چه دلیلی دارد در رسانه مطرح شود؟ آن هم مسائلی که برخلاف اخلاق اسلامی و بهداشت روانی اجتماع مومنین و طیف خاص شنوندگان رادیو معارف باشد.

بنابراین، علاوه بر عدم انطباق بخش مربوط به سخن کارشناس که در شماره قبل گفته شد، تحریک ذهنی مخاطب به سوی گناه و شهوت، که مدلول ضمنی پخش سخن این شنونده از برنامه است نیز در مقوله فقدان انطباق حکمی (تبیین ناصحیح حکم) رده‌گذاری می‌شود.

کارشناس درباره اهمیت حقوق فرزندان و نفی یک‌جانبه‌گرایی والدین می‌گوید: فرزند نه به میل خود به دنیا آمده و نه جنسیت او دست خودش است. ما او را به دنیا آوردیم و الان هم باید ما مواظب رشد او باشیم (۸۸/۴/۲۸).

کدبندی: این استدلال، درست نیست. چون میل والدین هم دخالت کامل در به دنیا آمدن فرزند ندارد و جنسیت آنان هم که به هیچ‌وجه در اختیار والدین نیست. قرآن کریم فرموده است: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْثَاءً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (شوری: ۴۹)؛ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست. هر چه بخواهد می‌آفریند. به هر که بخواهد، دختر می‌بخشد و به هر که بخواهد، پسر می‌بخشد».

اساساً نظام حقوق والدین - فرزندان در اسلام، مبانی خاص خود را دارد که کسی را سالار نمی‌کند؛ نه فرزندسالاری را برمی‌تابد و نه والدین‌سالاری را ترویج می‌کند. در این نظام، هر دو در مسیر بندگی خدای متعال با هم تعامل دارند و البته جایگاه خاص والدین، مورد توجه خاص علمای اخلاق است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۳ - ۵۷) و این نه سالارنمودن آنان بلکه حق آنان است؛ همان‌طور که فرزندان هم خود زمانی والد خواهند شد و از همین نظام بهره خواهند برد.

بنابراین، استفاده از این تحلیل غیر واقع‌بینانه از موجودیت فرزند و رابطه والدین - فرزند برای ارائه ارزش‌های حاکم بر روابط و حقوق والد - فرزند، که مدلول صریح سخن کارشناس محترم برنامه است، در مقوله فقدان انطباق موضوعی (تبیین ناصحیح موضوع) رده‌گذاری می‌شود.

شنونده سوال می‌کند که: دختر دبیرستانی دارم که عجول است و این عجله برای او

مشکل ساز است و عصبانی می شود. کارشناس در جواب می گوید: روایات ما توصیه به عجله در هر کار ندارند بلکه در مواردی خاص چون کار خیر مثل نماز اول وقت است. بسیاری از امور، نیاز به فکر دارد (۸۸/۶/۲۸).

کدبندی: این سخن، دارای این پیام ضمنی است که عجله در موارد زیادی نکوهیده نیست؛ زیرا کارشناس محترم می گوید: «روایات ما، توصیه به عجله در هر کار ندارند» و حال آن که باید بگوید: روایات ما توصیه به ترک عجله در هر کار دارند جز در موارد نادر. همان طور که علمای اخلاق، عجله را به طور کلی در ردائیل اخلاقی ذکر نموده اند (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۱۵-۲۱۶) و عجله تنها در موارد خاص استثناء شده است (مهدوی کنی، ۱۳۷۶: ۴۷۲). بنابراین، توصیه به عجله در بخشی از رفتارها، هم وزن مصادیق توصیه شده به تأنی - که مدلول ضمنی سخن کارشناس محترم برنامه است - در مقوله فقدان انطباق حکمی (تیین ناصحیح حکم) رده گذاری می شود.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه صفای دل

در این برنامه، یک مورد ناسازگار در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی یافت شده که به این شرح است:

سخن کارشناس: عزت تام برای کسی است که آرامش او به نعمت نباشد، به قَدَر الهی نباشد، مطمئنۀ بقدرک نباشد و بالاتر رفته باشد، به ذات الهی آرامش داشته باشد (۸۸/۱۰/۲۵). کدبندی: این مطلب که دل بسته نعمت هاشدن و از منعم غافل ماندن نامطلوب است، سخنی حق است و از نظر قرآن کریم نکوهیده است (انعام: ۴۴)؛ اما این سخن که مقامی برتر از «مطمئنۀ بقدرک» برای انسان متصور است - به شکلی که کارشناس محترم برنامه فرمودند - صحیح نیست. همان طور که کارشناس برنامه معتقدند، این تعبیر در دعای پس از زیارت امین الله وارد است: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ» (ابن قولویه، ۷۸: ۴۰؛ طوسی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۳۸)؛ خدایا آرامش درونم را در دل سپردن به مقدرات خودت قرار ده.

این کمال، ارزش والایی است که برتر از آن کمالی نیست و همان اطمینان به ذات الهی است؛ زیرا مقصود، دل گسستن از غیر خدا و دل دادن به تقدیر اوست. چگونه ممکن است کمالی برتر از درجات ائمه اطهار علیهم السلام باشد؟! و حال آن که در شأن ایشان وارد است،

هیچ کس بر آنان برتری ندارد: «فَبَلِّغْ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُزْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۳ - ۶۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۹۸)؛ خداوند شما را به شریف‌ترین جایگاه بزرگواران و به بالاترین مراتب مقربان و رفیع‌ترین درجات رسولانش رساند؛ آن‌جا که هیچ فردی بدان نرسد و هیچ خواهان برتری به آن راه نیابد و هیچ پیش‌روی بر آن پیشی نگیرد و هیچ طمع‌کاری به ادراک آن طمع نوزد.

زیرا «الَاحِقُّ»، «فَائِقٌ»، «سَابِقٌ» و «طَامِعٌ» نکره در سیاق نفی و طبق مبانی چارچوب نظری مفید عموم است. بنابراین، تصور کمالی برتر از «مُطْمَئِنَّةٌ بِقَدْرِكَ»، که مدلول ضمنی سخن کارشناس محترم برنامه است، در مقوله فقدان انطباق روش‌مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده‌گذاری می‌شود.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه زمزمه‌های معرفت

در نمونه منتخب از این برنامه، هیچ مورد ناسازگار با مبانی اخلاق اسلامی یافت نشد.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه شمیم عترت

در این برنامه، نقاط ناسازگار در انطباق با مبانی اخلاق اسلامی، عبارتند از:

مردی سوال می‌کند (با صدای خود فرد) که من در دوران نامزدی با خواهر همسرم رابطه داشته‌ام و الان همسرم این را فهمیده و ... من الان چکار کنم؟ بعد هم موارد دیگر که فرد با بیگانه‌های دورتر رابطه داشته را هم پخش می‌کنند. کارشناس محترم هم می‌گوید بله، این رابطه‌های قبل از ازدواج که متأسفانه زیاد هم شده، خودش معضلی برای ازدواج‌های الان شده است و .. (۸۸/۲/۶).

کدبندی: علاوه بر اشکالاتی که در برنامه پرسش و پاسخ تربیتی در دو مورد مشابه این مورد گفته شد، زشتی رابطه با خواهر همسر در دوران نامزدی و تاکید کارشناس محترم بر شیوع این پدیده، آن اشکال را به شکل پررنگ‌تر مطرح می‌کند؛ زیرا خواهرزن گرچه در شرع محرم نیست اما در عرف و ارتکاز انسان، نوعی احساس امنیت میان او و شوهر خواهر وجود دارد که بر اساس آن احساس، بسا اعتماد خاصی بین آنان ایجاد می‌شود و

سوءاستفاده از این اعتماد، زشتی دوچندانی دارد. همچنین بیان گسترده شدن این روابط توسط کارشناس (بر فرض صحت گسترش این مساله) خود نوعی اشاعه فحشاء است. بنابراین، تحریک ذهنی مخاطب به سوی گناه و شهوت، که مدلول ضمنی پخش سخن این شنونده و حتی کارشناس محترم برنامه است، در مقوله فقدان انطباق حکمی (تیین ناصحیح حکم) رده گذاری می شود.

سخن کارشناس: شادمانی و نشاط از جنود عقل است و کسل از جنود جهل است (۸۸/۲/۱۰).

کدبندی: در روایتی امام صادق علیه السلام، به بیان حدود هفتاد خصلت از خصایص عقل و هفتاد خصلت از خصایص جهل در وجود انسان پرداخته و از جمله خصلت‌های عقل را نشاط و از جمله خصلت‌های جهل را کسل نامیده‌اند: «و النشاط و ضده الکسل» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۷؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۳) اما مقصود از این دو عنوان رفتاری، در لغت عرب نیز همین معنای متعارف در زمان ما است؛ زیرا ایشان، نشاط را به سرحال بودن در کار (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۳۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۴۱۳) و کسل را به سستی در آن معنی می کنند (همو، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۱۰ و همو، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۵۸۷) همان‌طور که امام علی علیه السلام در اوصاف متقین در خطبه همام فرمودند: «تراه بعیدا کسله دائما نشاطه» یعنی کسل از مومن دور است و همواره بانشاط است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۳۰) و در خطبه وسیله فرمودند: در نشاط و کسل اهل عمل باشید (حرانی، ۱۳۶۳: ۹۹) و در دعا‌های ماه مبارک رمضان است که از خدای متعال درخواست می کنیم؛ در این ماه به ما نشاط عطا فرماید و کسل را از ما دور کند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۰۵) و بالاخره این که در علامات فرد ریاکار فرمودند: وقتی مردم را ببیند، نشاط دارد و در تنهایی، کسل به سراغ او می آید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۹۵).

بنابراین، نشاط و کسل هر دو به عمل مربوط هستند و با سرور و شادی تفاوت دارند. به علاوه نشاط، همواره ستودنی است، همان‌طور که امام علی علیه السلام در خطبه همام فرمودند: اما شادی، گاهی ستودنی است و گاهی نکوهیده که در قرآن کریم به موارد ستوده (سوره یونس: ۵۸؛ سوره روم: ۴) و نکوهیده (سوره انعام: ۴۴؛ سوره قصص: ۷۶) از شادی اشاره شده است. بنابراین، این بیان در مقوله فقدان انطباق روش مندی استنباط (اثبات نادرست دلالت) رده گذاری می شود.

### نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه گنج سعادت

در نمونه منتخب از این برنامه، هیچ نقطه ناسازگار با مبانی اخلاق اسلامی یافت نشد.

#### خلاصه یافته‌ها

از میان ۲۳۴ مضمون مطرح شده در نمونه مورد استفاده در تحلیل محتوا، تنها ۱۵ مورد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق کیفی نداشتند. این نتیجه، به این معنی است که مجموع برنامه‌های نمونه در این تحلیل، حدوداً ۶/۴۱ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارند و در حدود ۹۳/۵۸ درصد با این الگو منطبق هستند. نتایج حاصل از تحلیل محتوای نمونه، در بررسی میزان انطباق کیفی هر یک از برنامه‌های اخلاقی با مبانی اخلاق اسلامی در جدول شماره ۴ و نمودار ارائه شده است.

جدول شماره ۴. میزان فراوانی موارد سازگار و ناسازگار با مبانی اخلاق اسلامی در تحلیل

محتوا بر حسب هر یک از برنامه‌های اخلاقی هفت‌گانه در رادیو معارف

ردیف	نام برنامه	فراوانی موارد ناسازگار	درصد موارد ناسازگار از مجموع مضامین اخلاقی	مجموع مضامین اخلاقی
۱	پرسش و پاسخ تربیتی	۵	۵۰	۱۰
۲	شمیم عترت	۲	۱۰	۲۰
۳	چراغ هدایت	۴	۶/۱۵	۶۵
۴	صفای دل	۱	۴/۱۶	۲۴
۵	مکارم خوبان	۳	۳/۵۷	۸۴
۶	زمزمه‌های معرفت	۰	۰	۲۶
۷	گنج سعادت	۰	۰	۵
	مجموع	۱۵	-	۲۳۴

همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، تحلیل محتوای مضامین هر یک از افراد نمونه حاصل از برنامه‌های اخلاقی هفت‌گانه رادیو معارف که مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند، فراوانی مضامین سازگار یا ناسازگار با مبانی اخلاق اسلامی در این نمونه را به شرح زیر نشان داده است:

برنامه «پرسش و پاسخ تربیتی»: از بین ۱۰ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۵۰ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارد و ۵۰ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارند.

برنامه «شمیم عترت»: از بین ۲۰ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۱۰ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارد و ۹۰ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارند.

برنامه «چراغ هدایت»: از بین ۶۵ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۶/۱۵ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارد و ۹۳/۸۵ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارند.

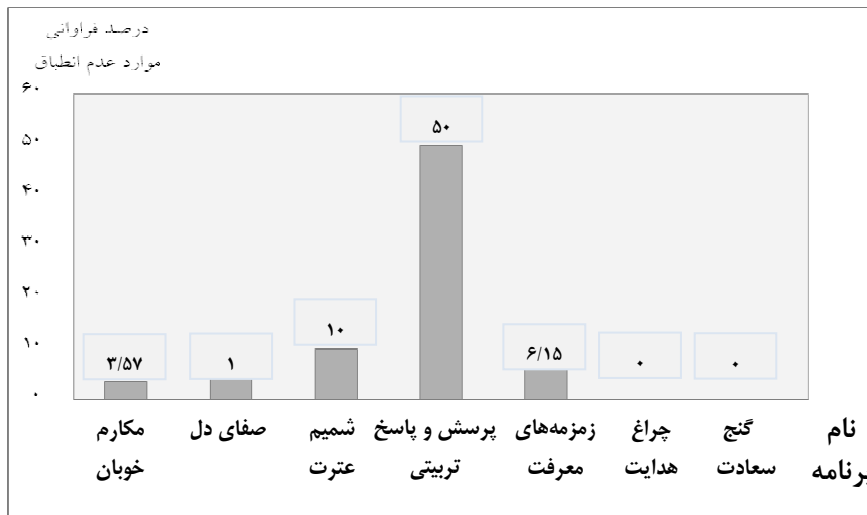
برنامه «صفای دل»: از بین ۲۴ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۴/۱۶ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارند و ۹۵/۸۴ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارند.

برنامه «مکارم خوبان»: از بین ۸۴ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۳/۵۷ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق ندارند و ۹۶/۴۳ درصد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارند.

برنامه «زمزمه‌های معرفت»: از بین ۲۶ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۱۰۰ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارد.

برنامه «گنج سعادت»: از بین ۵ مضمون از مضامین اخلاقی نمونه در این برنامه، ۱۰۰ درصد موارد با مبانی اخلاق اسلامی انطباق دارد.

نتایج مذکور در نمودار زیر هم ارائه شده است:



نمودار شماره (۱)

همان‌طور که نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، در نمونه منتخب، بیشترین موارد ناسازگار با الگوی اخلاق اسلامی بر حسب تعداد مضامین اخلاقی موجود، متعلق به برنامه «پرسش و پاسخ تربیتی» است که با رویکرد مشاوره‌ای به مباحث اخلاقی پرداخته است و کمترین ناسازگاری مربوط به برنامه «مکارم خوبان» است. و برنامه «زمزمه‌های معرفت» که به سخنان آیت‌الله مصباح یزدی اختصاص دارد و نیز برنامه «گنج سعادت» که بر اساس کتاب معراج‌السعادة تولید شده است، هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی اخلاق اسلامی و آموزه‌های آن ندارند.

نتایج تحقیق در قالب مقولات به شرح زیر است:

جدول شماره ۵. یافته‌های تحقیق بر حسب مقولات

ردیف	نام مقوله	زیر مقولات	فراوانی
۱	عدم انطباق حکمی	-	۶
۲	عدم انطباق موضوعی	-	۲
۳	عدم انطباق اسنادی	ارجاع منبع شناختی نادرست در نقل نصوص	۰
		نقل لفظی نادرست نصوص	۰
		ارجاع منبع شناختی نادرست در نقل کلمات علمای اخلاق	
		نقل ناصحیح کلمات علمای اخلاق	۱
۴	عدم انطباق روش مندی استنباط	عدم روش مندی در عدم اثبات صدور نصوص	۰
		عدم روش مندی در اثبات دلالت نصوص	۶
		عدم روش مندی در عدم اثبات جهت صدور نصوص	۰
۱۵	مجموع		

همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، بیشترین عدم انطباق در نمونه منتخب، در حوزه بیان نادرست حکم اخلاقی و نیز فقدان روش مندی در اثبات دلالت نصوص اخلاقی است.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق، از انطباق قابل توجه برنامه‌های اخلاقی رادیو معارف با مبانی اخلاق اسلامی حکایت دارد. در پاره‌ای از برنامه‌ها - به‌طور خاص - برنامه پرسش و پاسخ تربیتی و نیز در برخی مقولات از جمله دو مقوله مهم بیان صحیح حکم اخلاقی و اثبات روش مندی دلالت نصوص اخلاقی، عدم انطباق وجود دارد که یافته‌ها و موارد عدم انطباق، ما را به سه



راهبرد اساسی در اصلاح نقائص برنامه‌های گروه اخلاق رادیو معارف رهنمون می‌شوند: برنامه پرسش و پاسخ تربیتی که با رویکرد مشاوره به مباحث اخلاقی پرداخته است نیاز به بازنگری جدی دارد. باید توجه داشت که برنامه‌های با صبغه مشاوره اگر از نظر محتوا هم بی‌عیب باشند - که نبودند - دست کم اقتضات رسانه خاص خود که «جلسه مشاوره» باشد را در معنی و محتوا می‌دمند و بسا ارزش‌هایی کاملاً غیراخلاقی را ترویج کنند. پیشنهاد می‌شود از متون متقن در اخلاق اسلامی مانند معراج السعادة و جامع السعادات تألیف ملا احمد نراقی، المحجة البیضاء، تألیف فیض کاشانی، سراسر، تألیف استاد سعادت پرور، اخلاق در قرآن تألیف استاد مصباح یزدی و ... استفاده شود تا «حکم» و «موضوع» و «مستند» گزاره‌های اخلاقی و «نظرات علمای اخلاق» به شکل درست و روش‌مند ارائه شود.

پیشنهاد می‌شود از سخنرانی و مصاحبه با اساتید «کارشناس» در علم اخلاق استفاده شود؛ نه پخش هر گفت‌وگو و سخنرانی با عنوان درسی اخلاقی؛ زیرا «حکم» و «موضوع» و «مستند» گزاره‌های اخلاقی، باید صحیح و روش‌مند بیان شود.

## کتابنامه

### \* قرآن کریم

۱. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد (۱۴۳۰)، المسند، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶) کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویة.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
۵. آسابرگر، آرتور (۱۳۸۷ش)، روش های تحلیل رسانه ها، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
۶. ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰ش)، «تحلیل محتوای کیفی»، دو فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش، سال سوم، ش ۲.
۷. بی، ارل (۱۳۷۸)، تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، ج ۱، قم: انتشارات سمت.
۸. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامية.
۹. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۳۲ق)، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (۱۳۶۳ش)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۸۲ش)، تهذیب الأصول، قم: دار الفکر.
۱۳. دیانی، محمد حسین (۱۳۸۷)، گلوگاه های پژوهش در علوم اجتماعی، مشهد: نشر چاپار.
۱۴. دیلمی، شیخ حسن (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی.

۱۵. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق)، الدعوات، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
۱۶. رایف، دانیل و همکاران (۱۳۸۱)، تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش.
۱۷. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۴)، آشنایی با اصول و فنون مشاوره، قم: موسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۹. سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباطات ترجمه: علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۵)، فنون و روش‌های مشاوره، تهران: ترمه.
۲۱. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۶ق)، تمهید القواعد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، العدة، قم: چاپخانه ستاره.
۲۹. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.

۳۱. فلیک، اوه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، تهران: نشر نی.
۳۲. قاضی، قاسم (۱۳۸۳)، زمینه مشاوره و راهنمایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۸ق)، قوانین الأصول، قم: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
۳۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: اسلامیة.
۳۵. مازندرانی، ملا صالح (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی، تهران: المكتبة الإسلامية.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
۳۸. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی، تهران: جامعه شناسان.
۳۹. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۸)، فلسفه اخلاق، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا.
۴۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، اصول الفقه، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه.
۴۳. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵)، نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
۴۴. نائینی، محمدحسین (۱۳۶۸)، أجود التقريرات (تقرير دروس اصول محقق نائینی توسط آیت الله خویی، قم: انتشارات مصطفوی.
۴۵. نراقی، ملامحمد مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۶. نیک زاد، محمود (۱۳۷۸)، زمینه راهنمایی و مشاوره در تعلیم و تربیت، تهران: کیهان.